



۲۰۱۷/۰۵/۲۶



م. اسحاق نگارگر

و این هم نمونه ای از اخوت اسلامی

وقتی شهری آتش بگیرد مردم ناگزیر به هر سو پناه می برند. مهاجرت جرم نیست اما برخورد غیر انسانی با مهاجران دل شکسته بدون گفت و گو جرم است. یکی از دوستان کلپ خبری از رادیوی صدای امریکا را برای من فرستاده است که مقامات ایرانی به مغازه داران و فروشندگان و ترانسپورت محلی دستور داده اند که به اصطلاح ایرانیان برای «مهاجرین غیرمجاز» چیزی نفروشند و آنان را در سرویس ها و دیگر وسایل گشت و گذار عامه اجازه سوار شدن ندهند و یا به تعبیر بسیار صاف و ساده افغان ها را ستم گش بنمایند صرف بدین دلیل که اسناد قانونی ندارند و دولت ایران هم این اسناد را به هیچ قیمت به آنان نمی دهد.



گناه اینان چیست؟

فقط همین اینکه از چکک گریخته اند اما به زیر ناوه نشسته اند.

یادم می آید که وقتی انقلاب اسلامی به وقوع پیوست برخی از افغانها با بسیار خوشبینی می پنداشتند که رهبران ایران برادران سکه و سبیره ایشان استند ولی من که هر گونه انقلاب را نوعی تعصب اعتقادی می پنداشتم فکر می کردم که ایرانی ها تنها برای همان افغان ها روی خوش نشان می دادند که از هویت و عنعنات افغانی خود دست به سر شده و ایرانی تر از ایرانی شده باشند.

هنگامی که در بخش فارسی بی. بی. سی. که قلمرو ایرانی ها بود (و هنوز هم است. و. نوری) من بر اصالت زبان دری افغان ها پا فشاری می کردم و پوست کنده به ایشان می گفتم:

وقتی ما در افغانستان می گوئیم «یک و نیم میلیون» معنایش این می شود که «یک و «نیم» میلیون اما وقتی شما می گوئید: یک میلیون و نیم معنایش می شود: یک میلیون صحیح یک بر دو این شیوه بکار بُرد مقصود شما را افاده نمی کند اما شما اصرار دارید غلطی های خود را بر ما تحمیل کنید یا وقتی به طور مثال من از به کار بُرد لغت «تنش» سر باز میزدم که این حاصل مصدر تنیدن یعنی همان کاری است که عنکبوت میکند و بنابراین نمیتواند به معنای تشنج از آن کار گرفته شود و یا به طور مثال "نخست وزیر" ترجمه نادرست «پرایم منستر» (Prime Minister) انگلیسی [یا "پرومینه مینیستر" (premier ministre) فرانسوی. و. نوری] است زیرا که پرایم در انگلیسی به معنای نخست نیست. در انگلیسی پرایم یوگرت نیز دارند و پرایم به معنای اساسی است ولی چون در زبان دری وزیر دوم وجود ندارد بلکه پرایم وزیر بنیادی یا اساسی است که بدون او هیچ وزیر دیگر وجود پیدا نمی کند پس پرایم منستر وزیر

اساسی است که اگر نباشد دیگر وزیران هم وجود پیدا نمی کند و به همین ترتیب اگر پرایمری ایجوکیشن نباشد دیگر سکندری ایجوکیشن هم به وجود آمده نمی تواند و یا عموماً ساخته های فرهنگستان ایران را به باد استهزاء می گرفتیم (در این مورد خوانندگان اگر بخواهند می توانند به مقاله من زیر عنوان (فریادی از دیار خون و خاکستر در مجله آئینه افغانستان مراجعه کنند). وقتی دوستان ایرانی در بی. بی. سی. به من اظهار لطف میکردند و میگفتند ما با شما یک مردم هستیم و یک زبان داریم من پاسخ میدادم راست می گویند همه ایرانی ها افغان هستند آشکارا میدیدم که از شنیدن کلمه افغان انزجار نشان میدادند. بدبختانه برخی از ایرانی ها پیش از اینکه مسلمان باشند اول شیعه هستند و بعد مسلمان و هرگز فکر نمیکنند که پیش از جنگ جمل و صفین شیعه و سنی هیچکدام وجود نداشت و جامی بسیار زیبا میگوید که:

ز هفتاد و دو ملت کرد جامی رو به عشق تو

بلی عاشق ندارد مذهبی جز ترک مذهب ها

خوشبختانه اکثریت برادران افغان که در ایران مهاجر شده اند شیعه مذهب و هزاره هستند ولی ایرانی ها همان ها را هم تحقیر کنان بربری می خوانند و تا که بخواهی غرور ملی شان را پامال می کنند. ایران چه گونه می خواهد ادعای اخوت اسلامی کند مگر اینکه همه مسلمانان را وادارد که مذهب شیعیان دوازده امامی را به عنوان یگانه مذهب دنیای اسلام بپذیرند؟ حالا اگر افغان مسلمان در ایران از هیچ گونه حقوق انسانی برخوردار نیست و ایران می خواهد افغان را از مرض و گرسنگی بگذرد چه گونه می تواند در خانواده ملت های جهان خود را پشتیبان حقوق بشر وانمود کند؟ می گویند اگر دل بسوزد از چشم کور هم آب میرود.

اگر دل ایران بر حالت زار افغان می سوخت چاره اش بسیار آسان بود. برای افغان ها در یک نقطه معین کمپ درست می کرد و دولت خود می توانست مواد مورد ضرورت افغان ها را در کمپ ها برساند و برای دوکانداران افغان در کمپ ها بدهد تا با یک مفاد اندک برای افغان های خود بفروشند.

من برای هیچ انسان زبونی و شکستگی را نمی خواهم اما اگر روزی پیش آمد که آئینه غرور و خودبینی ایرانی شکست و مجبور به مهاجرت به افغانستان شد من می خواهم افغان با صمیمیت تمام امکانات خود را در خدمت برادر ایرانی خود بگذارد و به او معنای اخوت اسلامی را بفهماند که آن حضرت علی مرتضی که ایرانی سنگ عشقش را به سینه می زند گرسنه می خوابید و نان خود را به محتاج می داد ولی مدعیان کاذب عشق مرتضی علی برادر مسلمان خود را محکوم به مرگ گرسنگی می کنند آری:

گاهی به کعبه می روم و گه به سوی دیر

دیوانه ام به هر طرفم سنگ می زنند

**** * ****

تصاویر این فاجعه بشری را به کمک لیک ذیل با درد ملاحظه کنید:

<https://www.facebook.com/kabul.or.tehran/videos/vb.۸۸۱۶۶۷۷۲۱۹۰۰۸۶/۹۲۰۹۹۱۴۶۴۱۸۴۳۷۸/?type=۲&theater>

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر برمنگم ۲۵ می ۲۰۱۷